

عادل جبیر؛ از شکار سوسمار و ملخ تا وزارت خارجه



این دیپلمات نه چندان شناخته شده سعودی، دست پرورده سیاستمدار کهنه کاری به نام بندر بن سلطان است که با حمایت های پنهان و آشکار آمریکایی ها پله های ترقی را یکی پس از دیگری طی کرد تا امروز به عنوان یکی از مجریان و حامیان تجاوز، مبلغ و مشوق کشتار مردم بیگناه یمن و مجری پنهان سیاست های صهیونیسم در منطقه باشد.

از عادل جبیر به عنوان مزدور و جیره خوار تمام عیار دستگاه اطلاعات آمریکا و مطیع و فرمانبر بی چون و چرای ولی نعمت خود آل سعود یاد می شود و در واقع این دو ویژگی شخصیت وزیر خارجه رژیم سعودی را شکل داده است.

"حرمه" روستایی در حومه شهر المجمععه عربستان سعودی زادگاه عادل بن احمد بن جبیر که در سال 1962 میلادی در این روستای فاقد آب و برق بود به دنیا آمد و در کنار شش برادر بزرگ شد، در حالی که مهم ترین تفریح و سرگرمی آنها شتر سواری و شکار سوسمار و ملخ بود!

پدرش ابتدا در شرکت آرامکو کار می کرد اما دست تقدیر باعث شد جبیر همراه خانواده به یمن برود، همان کشوری که حدود 50 سال بعد از واشنگتن علیه آن اعلام جنگ و تجاوزگری کرد.

"از عادل جبیر به عنوان مزدور و جیره خوار تمام عیار دستگاه اطلاعات آمریکا و مطیع و فرمانبر بی چون و چرای ولی نعمت خود آل سعود یاد می شود و در واقع این دو ویژگی شخصیت وزیر خارجه رژیم سعودی را شکل داده است."

وی در این تجاوزگری از افرادی چون جرج بوش پدر و پسر، راسمفلد و دیک چنی که با اموال سعودی و دیگر متحدان منطقه ای اش علیه عراق اعلام جنگ کردند، تقلید کرد.

جبیر از یمن به آلمان رفت، اما تحول واقعی در زندگی او زمانی بود که پدرش برای کار در رایزنی فرهنگی سفارت سعودی، به آمریکا رفت. تحصیلات ابتدایی جبیر در یمن بود و مرحله بعدی تحصیلات وی در آلمان و سپس آمریکا. وی در آمریکا اقتصاد و علوم سیاسی و روابط بین الملل خواند.

عادل پس از آنکه تحصیلات پایه خود را در آلمان گذراند به آمریکا رفت و مدرک کارشناسی اش را در دو رشته اقتصاد و علوم سیاسی از دانشگاه شمال تگزاس و مدرک کارشناسی ارشد را در رشته روابط بین الملل از دانشگاه جورج تاون واشنگتن دریافت کرد.

بندر بن سلطان ولی نعمت عادل بن جبیر

وی در آمریکا به واسطه ولی نعمت خود (بندر بن سلطان) مسئولیت هایی در سفارت سعودی در واشنگتن برعهده گرفت و به این ترتیب سمت هایی چون دستیار سفیر عربستان سعودی در واشنگتن، سخنگوی سفارت عربستان سعودی در واشنگتن، عضو هیئت نمایندگی عربستان سعودی در مقر دائم سازمان ملل متحد در نیویورک، مشاور سیاست خارجی ملک عبدالله پادشاه وقت عربستان سعودی و سفیر عربستان سعودی در واشنگتن را عهده دار شد.

تاریخ گواه است که یکی از اجداد این وزیر سعودی پس از به قتل شخصی در یک نزاع، از حومه طائف به منطقه المضیق گریخت و برای تصدی سمت چوپانی گوسفند و شتر به نجد نزد ابن بصیص رئیس قبیله مطیر رفت اما فوراً شایستگی خود را در این شغل ثابت کرد و به همین علت بیوه این شیخ را به عقدش در آوردند و بعد در منطقه خود سرشناس شد.

بن جبیر نیز در 49 سالگی با یک بیوه زن اردنی ازدواج کرد. در حالی که زندگی او تا قبل از ازدواج و تا سال 2009 به قصرش در ویرجینیا در نزدیکی واشنگتن دی سی محصور بود.

آمریکا حامی ابن جبیر برای تصدی پست سفارت سعودی در واشنگتن

بن جبیر با فرصت طلبی و مهارت در مدت کوتاهی توانست با حمایت آمریکایی ها به بندر بن سلطان سفیر جنجالی وقت سعودی در آمریکا نزدیک شود.

رابطه بندر با خانواده بوش و نو محافظه کاران و لابی صهیونیسم در آمریکا معروف بود امری که باعث شد بن جبیر کاندیدای تماس با دستگاه های جاسوسی آمریکا و به عنصر اساسی در هماهنگی روابط بین عربستان و هابی و مراکز تصمیم گیری آمریکایی تحت کنترل و سیطره صهیونیست ها تبدیل شود و حتی کار به جایی رسید که وی به طور مستقیم با سازمان جاسوسی ایبک و مقام ها و مسولان رژیم صهیونیستی هماهنگی برقرار می کرد.

"بن جبیر با فرصت طلبی و مهارت در مدت کوتاهی توانست با حمایت آمریکایی ها به بندر بن سلطان سفیر جنجالی وقت سعودی در آمریکا نزدیک شود."

روزنامه صهیونیستی جروزالم پست در این خصوص می نویسد: بن جبیر از ابتدای دهه نود عامل هماهنگی با گروه های یهودی از جمله سازمان ایبک، بود و با یوسی بیلین وزیر وقت رژیم صهیونیستی دیدار کرد.

صرف نظر از اتهام ابن جبیر از سوی برخی محافل سعودی به برخی مسایل مالی با همکاری با مایکل تبرولو دوست آمریکایی اش و صاحب شرکت روابط عمومی "کوروس" که دهها میلیون از اموال پترودلار سعودی را هزینه تبلیغات رسانه ای خود برای بهبود چهره عربستان در محافل آمریکایی کرد که بسیاری این تبلیغات را شکست خورده توصیف کردند، عادل الجبیر از طرفداران حمله امریکا به عراق بود و سخنگوی سفارت عربستان در واشنگتن برای توجیه اقدام عربستان در جلب ارتش 30 کشور ضد عراق است در حالی که تا دو سال قبل از آن، عراق مهمترین هم پیمان عربستان در منطقه برای مقابله با انقلاب اسلامی ایران بود.

و از آنجایی که وی توجیه مزدوری نظام عربستان برای آمریکا را به خوبی می داند در سال 1999 مدیر دفتر رسانه ای عربستان در آمریکا با حفظ موقعیتش در سفارت شد.

نزدیکی وی به ملک عبدالله (که در آن زمان ولیعهد بود به رغم آنکه به سبب بیماری ملک فهد و ناتوانی وی در اداره امور، حاکم واقعی کشور بود) سبب شد تا بنا به توصیه امریکایی ها و بندر بن سلطان در سال 2004 مشاور ویژه ولیعهد شود و سپس در سال 2005 وزیر مشاور دیوان شاهی گشت.

طرح های آمریکایی عامل قدرت گرفتن ابن جبیر از این رو بسیاری بر این باورند که عامل قدرت گرفتن ابن جبیر و توجه خانواده حاکم در عربستان به وی علی رغم وجود افراد بسیاری که از وی بهتر و تواناتر بودند، وجود طرفها و طرحهای امریکایی است که خارج از جناح بندی های داخل خاندان حاکم سعودی بودند. از این رو وی به دلایلی که امریکایی ها و آل سعود می دانند، دلایلی در حد اتهام وی به مزدوری، شخصی تحمیل شده و غیر قابل قبول است... و البته در این خصوص ممکن است با این افراد توافق نداشته باشیم زیرا بر این باوریم که کل نظام ال سعود چهره دیگری از مزدوری و وابستگی در منطقه ما در کنار رژیم صهیونیستی است.

سعود الفیصل در پایان تصدی وزارت خارجه که 40 سال به درازا انجامید، به شدت دچار شکست شد و نتوانست سیاست خارجه عربستان را نجات دهد.

پس از آنکه بندر بن سلطان وظیفه اطلاعاتی و سپس امنیت ملی عربستان را پس از حوادث 11 سپتامبر و اشغال افغانستان و عراق به عهده گرفت، ترکی فیصل صهیونیستی سعودی دیگری که ریاست دستگاه استخباراتی عربستان و سفارت ال سعود در لندن را به عهده داشت، به عنوان سفیر ریاض در واشنگتن تعیین گشت. وی فقط 15 ماه در سمت خود باقی ماند زیرا بندر بن سلطان و عادل بن جبیر هماهنگ کنندگان اصلی روابط عربستان و آمریکا بودند و این امر خشم ترکی فیصل را برانگیخت.

استعفای ترکی فیصل زمینه را برای عادل جبیر فراهم آورد تا به سفیر عربستان در نزد قوی ترین حامی رژیم سعودی تبدیل شود. گفته می شود آمریکا پس از مشورت با بندر که در آن زمان مشغول ویران کردن عراق و اعزام عناصر انتحاری و تسلیحات و مواد منفجره به این کشور بود، عادل جبیر را برای تصدی این پست پیشنهاد کرد.

"آمریکا پس از مشورت با بندر که در آن زمان مشغول ویران کردن عراق و اعزام عناصر انتحاری و تسلیحات و مواد منفجره به این کشور بود، عادل جبیر را برای تصدی پست سفارت عربستان در واشنگتن پیشنهاد کرد."

در سال 2006 عادل بن جبیر به عنوان سفیر عربستان در واشنگتن تعیین شد. این خبر عربستانی ها و دیگران را شگفت زده کرد زیرا جبیر هیچگونه پست سیاسی نداشت و در مذاکرات بین الملل تا کنون مشارکت نکرده بود. در آن زمان برخی از افراد ساده لوح و رسانه های مزدور رژیم سعودی از این اقدام استقبال کرده و آن را یک تحول دموکراتیک و پایان یافتن تسلط افراد قبیله آل سعود بر مراکز مهم قدرت دانستند.

از آنجایی که این مرد هیچ ویژگی مثبت و هنری و تاریخ شناخته شده ای ندارد، به همین دلیل باید مورد توجه قرار می گرفت و از او یک قهرمان ساخته می شد. در سایه انتشار ایران هراسی از سوی آمریکا و رژیم صهیونیستی و مزدوران عرب آنها پس از جنگ ژوئیه 2006 و شکست صهیونیست ها در از بین بردن مقاومت و همچنین شکست جنگ داخلی طائفه ای در عراق در سالهای 2005 و 2007 و بحران هسته ای ایران که از سال 2007 شدت گرفت، نمایش تلاش ایران برای ترور ابن جبیر و انفجار سفارت عربستان در واشنگتن به راه افتاد. قهرمان این نمایشنامه یک تاجر مواد مخدر آمریکایی ایرانی الاصل با هزینه 1.5 میلیون دلار برای هر دو عملیات یاد شده بود. البته آنگونه که آمریکا و عربستان مدعی شدند!

دین عادل بن جبیر به سعودی ها

عادل بن جبیر خود را مدیون آل سعود می داند که او و خانواده اش را از شترچرانی و شکار مگس ها نجات دادند تا به عنوان اولین وزیر خارجه خارج از گردونه خاندان حاکم بر عربستان تبدیل شود. او به دشمنی با جمهوری اسلامی ایران و حزب الله لبنان شهرت یافته است زیرا این دو همانند خاری در گلو اربابان آمریکایی و سعودی اش بشمار می روند.

پس از مرگ ملک عبدالله و بازگشت حاکمیت به شاخه السدری در خاندان سعودی و پیدایش نسل سوم آنها سعود الفیصل به عنوان یک شخصیت بسیار سنت گرا و محافظه کار مانعی بر سر راه تحول در سیاست خارجی عربستان بشمار آمد و به دنبال آن برخی از دیگر شخصیت های سعودی مانند متعب بن عبدالله و مقرن بن عبدالعزیز به حاشیه رانده شدند. این سیاست بر اساس برنامه و طرحهای آمریکا به سوی چالش و تنش بیشتر روی آورد. این سیاست هم اکنون توسط جوانانی اداره می شود که هیچ تجربه ای در حکمرانی و روابط میان کشورها و قدرتها ندارند.

سعود الفیصل در پایان تصدی وزارت خارجه که 40 سال به درازا انجامید، به شدت دچار شکست شد و نتوانست سیاست خارجه عربستان را نجات دهد. این سیاست در برابر ایستادگی محور مقاومت و تحولات سیاسی در منطقه و شکاف برداشتن طرح غرب در مهار جنبش های آزادیبخش و جنبش های مردمی رو به فروپاشی گذاشت. در این میان عربستان و بردارانش در حوزه خلیج فارس در دور زدن قیامهای مردمی و منحرف کردن فرآیند آن نقش برجسته ای ایفا کردند تا انقلابهای مردمی تاج و تخت آنها را تهدید نکند.

سیاست مبتنی بر لاف و گزاف وزارت خارجه عربستان و تغییر یافتن چهره های دایناسوری سابق (هر چند برخی از پست ها همچنان در اختیار همان دایناسورها باقی ماند) و بر سر کار آمدن نسل سوم با تصدی پست وزارت خارجه توسط یکی از افراد خاندان حاکم اصطکاک می یافت. در واقع اگر این پست به یکی از افراد خاندان حاکم سپرده می شد آینده ژنرال کوچولو به خطر می افتاد زیرا وی هم اکنون در صدد به چنگ آوردن حکومت و کنار زدن عموزاده ها و فرزندان آنها است. او با به قدرت رسیدن پدرش به حاکم عربستان تبدیل شده است.

عادل بن جبیر تضمین کننده تندروری های جانشین ولیعهد

در واقع انتخاب عادل جبیر در فوریه 2015 به عنوان وزیر خارجه تضمین کننده دنباله روی وی از ژنرال کوچولو است. عادل جبیر در قاموس رژیم سعودی چیزی جز فرزند یک شترچران نیست و گوشت و پوست او و خانواده اش از صدقه سری آل سعود است. عادل جبیر در قاموس رژیم سعودی چیزی جز فرزند یک شترچران نیست و گوشت و پوست او و خانواده اش از صدقه سری آل سعود است.

این دنباله روی با ماموریت اعلام جنگ علیه یمن نمایان شد. در واقع تجاوز به یمن طرح ویژه محمد بن سلمان است و هدف از آن بر اساس محاسبات اشتباه آل سعود مبدل شدن محمد بن سلمان به آیزنهاور سعودی! است. او بدین ترتیب دنباله روی بی چون و چرای تیم حاکم بر ریاض از واشنگتن و لابی صهیونیست را به اثبات رساند.

در واقع تصمیم به از بین بردن کشورهای عرب مخالف سلطه جویی صهیونیست ها و همچنین نظامهای حاکم بر آنها یک تصمیم آمریکایی صهیونیستی است و به همین دلیل کشورهای عرب حوزه خلیج فارس و رژیم های خاندانهای پادشاهی و دیکتاتورهای نظامی دنباله رو واشنگتن در منطقه چاره ای جز پیروی از واشنگتن و تل اوپو نداشتند. آنها از این تصمیم خود به عنوان طرح مقابله با به اصطلاح سیاست توسعه طلبانه ایران و فراماسونری شیعه نام بردند.

"تصمیم به از بین بردن کشورهای عرب مخالف سلطه جویی صهیونیست ها و همچنین نظامهای حاکم بر آنها یک تصمیم آمریکایی صهیونیستی است و به همین دلیل کشورهای عرب حوزه خلیج فارس و رژیم های خاندانهای پادشاهی و دیکتاتورهای نظامی دنباله رو واشنگتن در منطقه چاره ای جز پیروی از واشنگتن و تل اوپو نداشتند."

البته برخی از کشورهای منطقه مانند پاکستان و ترکیه و حتی مصر در این خصوص با عربستان اتفاق نظر ندارند و با عدم پیروی از رژیم سعودی به خود و ملت ها و تاریخ های خویش احترام گذاشتند.

اما در ارتباط با عادل جبیر برخی او را نفوذی آمریکا در ساختار رژیم سعودی می دانند. هر چند بسیاری از حکمرانان آل سعود مزدور تمام عیار آمریکا و صهیونیست ها هستند که به دلیل لغزش های اخلاقی به سادگی از آنها باج خواهی می کنند. لغزش هایی که حاصل حضور در کاباره های کشورهای غربی و کشمکش بر سر قدرت و چگونگی تقسیم درآمدهای نفت است.

عادل الجبیر که به گفته واشنگتن پست از دشداشه های قوم خود به عنوان پرچم سفید آنها در برابر دوستان آمریکایی شان یاد می کند، اولین ماموریت وی ایجاد هماهنگی با رژیم صهیونیستی و بهبود کامل روابط سیاسی با تل اوپو پس از دستیابی به هماهنگی های امنیتی با آن است. به گونه ای که هم اکنون بطور علنی و در برابر دوربین های خبرنگاران از وجود روابط میان اسرائیل و عربستان سخن به میان می آید که در همین رابطه می تواند به اظهارات شاهزادگان سعودی و نتانیاهو در خصوص وجود روابط و هماهنگی پشت پرده جهت مقابله با به اصطلاح خودشان خطر ایران و پیامدهای توافق هسته ای میان ایران و غرب اشاره کرد.

در همین راستا عادل جبیر در سال 2004 سفر صهیونیست های کنگره آمریکا به عربستان را جهت بهبود بخشیدن به چهره عربستان به دنبال لغزش زبانی ملک عبدالله ترتیب داد که طی آن شاه سابق عربستان گفت: صهیونیسم عامل 95 درصد حملات مسلحانه ای است که در عربستان انجام می گیرد. البته این سفر اهداف دیگری مانند بهبود بخشیدن به روابط رسانه ای با صهیونیست ها را به همراه داشت.

عادل جبیر همانند سران خود یک هسته بحران در دوران حیات رژیم سعودی محافظه کار بشمار می رود به این ترتیب که رژیم باید به محافظه کاری خود پایان دهد زیرا در صورت ادامه دادن به آن موجودیت رژیم در معرض خطر قرار خواهد گرفت.